

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلوة و السلام على رسول الله و على آله آل الله و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله
اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و على آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا
و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا
خداوند بزرگ قلب بزرگ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را از ما راضی و خشنود نگه دارد؛ وجود
عزیزش را از هر گزندی مصون و محفوظ دارد و ما را از یاورانش قرار دهد به برکت صلوات بر محمد و آل
محمد .

خدا را شاکرم که توفیقی داده فرصت کوتاهی را محضر شما بزرگواران باشم . یک نفر فوت می کند فکر می
کنیم تمام شده اما برخی نفس ها مدد می کند برخی انسان های نفیسی بوده اند کسانی که از دنیا رفته اند ؛
انسانهای پاکیزه ای بودند اهل حلال بودند اهل شناخت بودند. ما ها به آنها نیاز داریم و فقط این طور
نیست که آنها به ما نیاز داشته باشند بلکه این ماییم که به آنها نیاز داریم. نفس های پاک آنها پشتیبانی می
کند و وضعیت خوبی را به وجود می آورد . می خواهیم از این نکته به یک دستور اخلاقی منتقل شوم . و آن،
این است که آدم باید قدر نعمتهایی که دارد، بداند . اول این که نعمت را بشناسد ؛ برخی وقتها مشکل ما
این است که آدم کفوری نیستیم اهل تشکریم اما نمی دانیم نعمت را بعد که مثلا از دست می دهیم متوجه
می شویم چه نعمت بزرگی را از دست داده ایم.

توللی شیرازی شاعر خوش ذوق شیرازی یک شعری دارد؛ شاید شنیده باشید :

در جوانی به خود می گفتم شیر اگر پیر هم بود شیر است

چون به پیری رسیده فهمیدم پیر اگر شیر هم بود، پیر است.

پیر ، پیر است خودش را نمی تواند جمع کند . من می خواهم از این شعر استفاده کنم که انسان قدر جوانیش
را نمی داند . نمیداند این که با پای خودش برود وضو بگیرد و به مسجد بیاید چه نعمت بزرگی است . یا این
که سخنرانی کند و یک چیزی یاد بگیرد . یاد پدر و مادرش باشد و برگردد این کم نعمت نیست و این از ما
گرفته می شود . یک زمانی بر ما خواهد آمد که انسان صرفا برای این که بتواند برود و وضو بگیرد با ید یک
چیزی دستش بگیرد و کمکش کند برود صرفا یک وضو بگیرد یا دستشویی بخواد برود نمی تواند و باید
کنارش یک دستشویی درست کنند برای پیرمردها و پیرزنها ...

این نعمت جسم بود؛ جوانی

برخی نعمتها ، نعمت معنوی است این که انسان توفیق داشته باشد به نماز بیاید . من از شما سوال می
کنم ایا همه این توفیق را دارند و تا پاسی از شب می نشینند و حرفهای زیاد می زند اما برای شرکت در نماز
جماعت و .. بر نمی خیزد . این ها توفیق است آیا قدر این نعمتها را میدانید ؟ این که جماعت سر و کار دارید
این ها نعمت های خداست . حواسمان باشد یک دفعه نباید زمانی که قدر این نعمت ها را ندانیم. الان
یک برگه دست کسی بدهند و بگویند نعمتها را بشمار ممکن است بگوید بدن سالم دارم همسر خوب دارم

یا بچه هایم خوب اند یا الحمد لله مستاجر نیستم و ماشین دارم.... سالمم و مریض نیستم اما یادش نمی آید بگویم من با توحید و با نبوت آشنا شدم من امام زمان و امام حسین علیهما السلام را می شناسم.... حواسمان باشم.... این صحبت من شاید ارتباطی با ایام فاطمیه نداشته باشد اما بعد ارتباطش را به شما می گویم . یا حتی استاد خوب... این که سر راه آدم یک استاد خوب پیدا شود؛ حتی گاه شاگرد خوب... یکی از علمای بزرگ - شیخ انصاری- گفته بود من گاه از شاگردهای جوانم استفاده میکنم.

یعنی این شاگرد مثلا یک اشکالی میکند و یک دریچه ای را به روی من باز میکند که من روی آن مساله فکر کنم . گاهی شاگرد حتی نعمت است استاد معلم یک عالم در یک شهر که باعث می شود انسان مراجعه کند و سوالاتش را بپرسد و مشکلاتش را حل کند. و لذا فقط هم برای خودمان دعا نکنیم... ممکن است جوانهایی باشند مثل من و شما لباس نپوشند یا آرایشگاه نروند ؛ یک جور آرایش می کنند که من و شما ممکن است بدمان بیاید ولی او هم گر چه از آرایش من و شما بدش می آید ولی به هر حال ، باید همه را دعا کنیم و باید متذکر شویم که باید قدر نعمت ها را دانست این که انسان قدر نعمت را بداند کسی که این صفت را داشته باشد معمولا انسان شاکری است . این که خداوند می فرماید انسان ها برخی شاکرند و برخی کفور .. یک دلیلش این است که انسان ها نعمت ها را نمیشناسند و چون نعمتها را نمی شناسند ، قدر هم نمیدانند ... شما فکر میکنید صدر اسلام بعد رحلت پیامبر چه رخ داد؟

در مجموع آن زمان ، مسلمانان ، مسلمانان خوبی بودند اما نمیدانستند چه نعمت بزرگی را دارند از دست می دهند.

و چه نعمت و نکتی دارد به زندگی آن ها وارد می شود.

در صدر اسلام برخی ها نمیدانستند که چه کار دارند می کنند .

امیرالمومنین ، امیرالمومنین است اگر چهره امام را خراب نکنند، با ندانم کاریها و ... هیچ بنی بشری نتوانسته است یک امیرالمومنین تحویل دهد ؛ ما می گوئیم معجزه پیامبر شق القمر است و درست است یا قرآن است و درست است اما یک معجزه دیگری هم هست به نام امیرالمومنین که معجزه پیامبر است یک ماه رمضانی لازم است تا یک سخنرانی باشد به نام امیرالمومنین شناسی ...

لازم است یک ماه رمضانی یک روحانی فاضلی فقط راجع به امام علی علیه السلام صحبت کند یا کسی کتابی بنویسد . من با جرج جرداق مسیحی لبنانی ملاقاتی داشتم من به او گفتم چه شد ، تو که مسیحی هستی، چطور شد که بهترین کتابها را راجع به امام علی نوشتی؟ الامام علی صوت العدالة الانسانیة

البته ممکن است آخر کار رگه هایی از این که مسلمان شده باشد در او مشاهده شده باشد اما من اطلاعی ندارم .

در جواب سوال من به من گفت من از کتاب و جملات امام علی فهمیدم او کسی نیست که دیگران راجع به او میگویند. و من به این نتیجه رسیدم که من خودم باید کتاب او را مطالعه کنم ... یک متفکر و یک نویسنده یک اهل قلم می رود تحقیق می کند به آن نتایج می رسد ...

به هر حال خداوند او را به امامت منصوب می کند و پیامبر در حق او میفرماید: من کنت مولاه فهذا علی مولاه

اما مسلمانان این شخص را کنار می گذارند و به دنبال که می روند؟!!!

من گاهی اوقات به اهل تسنن میگویم: من اصراری ندارم که حرف من را قبول کنید؛ اما کاری هم نکنید که بعدا دچار شقاوت شوید و ببینید صدر اسلام چه شد و چه کار کردند...

چرا صدر اسلام این اتفاقات افتاد؟ برای این که آن ها نمیدانستند چه نعمت بزرگی دارند... به جای این که قدر دان نعمت باشند و قدر کسی را بدانند که خدا او را تعیین کرده است؛ شیعه که تعیین نکرده است. یا محدث مجلسی که تعیین نکرده است. به هر حال خدا تعیین کرده است به جای این که بروند اطراف خدا را بگیرند یا اطراف امام را بگیرند که خدا او را تعیین کرده است رفتند و اطراف امثال عمر و ابوبکر را گرفتند و جامعه به چه نکبت و نعمتی دچار شد!

شما اوضاع الان را ببینید اگر صهیونیزم را می بینید به خاطر انحراف در جریان امامت آن زمان است.

یا اگر این طور مسلمانها خون هم را می ریزند؛ یا این منازعاتی که هست، همه از اثر انحراف در جریان امامت صدر اسلام است.

یا همان ریگی خبیثی که او را در آسمان شکار کردند آقای مصلحی آن موقع وزیر اطلاعات بود می گفت وقتی او را دستگیر کردیم، ساک او را که بعد دستگیری باز کردیم یک قرآن داخل آن بود و یک کتاب آقای مطهری! این ها به نام خدا، خون می ریختند؛ این مسائل همه ریشه در همان انحراف جریان امامت صدر اسلام دارد.

یعنی اگر امامت مسیر خودش را طی کرده بود، این گونه نمی شد. چون نفهمیدند چه نعمتی دارند لذا قدر ندانستند. به قول حافظ:

یوسف را دادند به چند درم ناسره؛ درهم ناخالص

یوسف را دارد می فروشد اما نمی داند چه می فروشد!!

فکر می کند یک برده را می فروشد و چند درهم هم می گیرد و خوشحال از این معامله است.

داری عقل را می فروشی داری یوسف پیغامبر خدا را می فروشی

ما هم گاه یوسف وجود را به درهم ناخالص می فروشیم. عمر و جوانی را می دهیم به یک درم ناسره.. فرصت و خود زمان را به درم ناسره می دهیم ...

بحث کشش بیش از این را ندارد و دیدید چه کردند.

*قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى * ...

این که می گویند پیغمبر سفارش به مودت اهل بیت کرده بود، درست است اما قبل از پیامبر خدا سفارش کرده بود؛ این را درست بگوییم.

در واقع قبل از پیامبر ، خدای پیامبر این سفارش را کرده بود. گاه یک جمله ای را میگویند و من همین جمله را ذکر مصیبتم قرار میدهم می گویند اگر پیامبر به جای این همه سفارش به مودت به اهل بیت سفارش کرده بود که با اینها دشمن باشید ، آیا بیش از این میتوانستند دشمنی کنند !!؟

شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها را اقل مدت فاصله از رحلت پیامبر را چهل روز گفته اند تا هشت ماه...منتها هفتاد و پنج روز ونود و پنج روز مشهورتر است . در این مدت کاری از دستشان بر نیامد که انجام ندهند. و کاری نبود که بر سر این اهل بیت حسنین و فاطمه و امام علی علیه السلام نیاورند البته اهل بیت این ها هستند و همسران پیامبر در این جرگه محسوب نمی شوند.

در همان دو سه روز اول چهار بار به خانه فاطمه زهرا متعرض می شوند . دفعه اول قنذ می آید و به امام علی می گوید خلیفه پیامبر !! تو را خواسته است. امام علی فرمودند چه زود به پیامبر تهمت می زنی؟ از کجا جانشین شد؟

دفعه دوم عمر آمد هیزم می آورد چون شنیده بود عده ای مخالف در این خانه جمع شدند می خواست همه اهل خانه را آتش بزند . من نمی گویم صرفا کتاب شیعه را بخوانید د منابع اهل تسنن هم آمده است که به عمر می گویند : ان فیها فاطمه ...در این خانه فاطمه است...که در جواب می گوید: و ان ...به این معنی که اگر هست ، باشد اما ظاهرا آتش نمی زند . دفعه سوم با شمشیر و با تازیانه می آید و اینجا فاطمه زهرا را با غلاف شمشیر و با تازیانه می زند ..در دفعه چهارم هجوم می آورند و فاطمه زهرا را بین در و دیوار قرار میدهند . و

السلام علیک یا فاطمه الزهرا سیده نساء العالمین

خدایا ما را از عزاداران اهل بیت عصمت و طهارت قرار بده

خدایا این نعمت را و این نعمت ها را از ما نگیر و به همه انسان ها این نعمت ها را بده .

یک نکته ای را که این جا به ذهنم رسید که متذکر شوم این که با این که رعایت این مسائل قدر دانستن نعمت است شرکت در جماعت و سخنرانی و نماز و مراسم و ...اما این ها نباید باعث شود ما مغرور شویم ...که دیگران را کم ببینیم و خود را بالا و برتر بدانیم . لذا پیامبر عظیم الشان فرمودند عاقل کسی است که هر کسی را می بیند او از من بهتر است. این حرف بزرگی است و اگر غیر پیامبر این حرف را زده بود، من قبول نمی کردم . شاید طرف مقابل نقاط و نکات برتری دارد که من و شما نمیدانیم یا حتی عاقبت به خیری کسی چه از انتهای زندگی خبر دارد که چه نهایتا چگونه و با چه ایمانی از این جهان خواهد رفت.

به هرحال نباید گرفتار غرور شد

امیدواریم دعاها مستجاب شود به برکت صلوات بر محمد و آل محمد